

(وضعه در
تکیه
پروتستانها

(وضه در
تکیه
پروتستانها
علی محمد مؤدب

سینه و لب

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
عنوان: روضه در نکیة پروتستانها: مجموعه شعر اعلیٰ محمد مؤذب،
مشخصات نشر: مشهد: سپیده پاران، ۱۳۸۸،
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۸-۶۰۰-۹۰۱۸۷
یادداشت: فهرستنامه بر اساس اطلاعات فیبا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
ردیفه‌نامه کنگره: PIR ۸۲۲
نشانه‌الر: ۱۳۸۸، ۹، ۳۸۵ و ۱
رده‌دیجیتال: ۱۱۶۲

- روضه در نکیة پروتستانها • مجموعه شعر • علی محمد مؤذب
• ویرایش و صفحه‌آرایی: محمد کاظم کاظمی • طرح جلد: پروسا نشکری
• چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸ • شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
• لیتوگرافی و چاپ: شهر چاپ خراسان • صحافی: حافظ
• مشهد، چهارراه شهدا، خیلابان آزادی ۲، مجتمع گنجینه کتاب

کتاب آفتاب • تلفن: ۰۵۱۱ (۲۲۳۸۶۱۳ - ۲۲۲۲۲۰۴)

www.abook.ir و info@abook.ir

شابک: ۹۷۸-۸-۶۰۰-۹۰۱۸۷-۹ - ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۱۸۷-۸-۹ ISBN: 978-8-600-90187-8 - 9

حق چاپ محفوظ است.

چهارپاره‌ها	۱۳
بارها با بهارها گفتم	۱
گفتم بهار و باوم شد	۲
در خانه اجاره‌ای شب باز	۳
حاجت به آب گونه نمی‌بینم	۴
سال‌ها در پای سروی، لاله‌ها پرپر شدند	۵
در گنجه‌های بتکده دانش	۶
مگر رودم، مگر راهم	۷
شب، شب خانه‌ای تنگ و تاریک	۸
برکوه، برف است سنگین	۹
در کوخ‌ها، در کوچه‌ها	۱۰
زروزور و تزویر آورده‌اند	۱۱

فزل ها

۴۷	
۴۸	مترس از های و هوی شعله، بس نمرود خواهی دید.....
۵۰	نوبهارا! حسته شد گل از زبان تیز خار.....
۵۲	چشم بازار جهان از گریه من روشن است.....
۵۴	در به دار می پرسد از گل های پرپر، دار دار.....
۵۶	سؤالی دارم از آن فتنه، بی بهلو چه می گوید؟.....
۵۸	تابه کی این قلب حیران، بی تو آونگی کند.....
۶۰	بیهوده به سودای دل خلق نکوشند.....
۶۲	به جان در اویز باقی من اگر چه صدھا زبانه دارم.....
۶۴	مائده مردم در خماری، زنگ مدهوشی زدند.....
۶۶	عشق است و تصمیمی، خیالی تازه می خواهد.....
۶۸	سوگوارم چون درختی، ریشه های خویش را.....
۷۰	تا در دل ما هست، به محراب شما نیست.....
۷۲	به بشکوهی گریه باور ندارم.....
۷۴	بانالله نیمه شب یارم چه می گفت.....
۷۶	درخت سبزا به دور از تو، باد بی تابم.....
۷۸	حسته بوگشت به خانه، زن هرجایی باز.....
۸۰	محراب، شکل سنگ ترازو گرفته است.....
۸۲	غوغای خاموشی است در گوشم هزاران پا.....
۸۴	آهسته چون نسیم، تو با دست های سرد.....
۸۶	بله کن باز نظر را که غزالی بزند.....
۸۸	دوید گریه به هر سویه حکم مدهوشی.....
۹۰	یک لحظه، یک غم متواتی، دو تا درخت.....
۹۲	سلام! من سر صبحم، شما کجاش شبی؟.....
۹۴	شیروان با فتنه چون میل هم آغوشی کنند.....
۹۶	بروامکن و آتش باش، در خرم می مقصودم.....

۹۸.....	هم، دل عشق را از داغ بریان کرده‌ای	۲۶
۱۰۰.....	نوبهار! دیده‌ای بروانه‌های مرده ۹!	۲۷
۱۰۲.....	بی تو قلب عاشق من ناگهان می‌ایستد	۲۸
۱۰۴.....	بود، اما او نبود امانبود	۲۹
۱۰۶.....	طربی دارم و صبحی، غمی و شام بلندی	۳۰
۱۰۸.....	به هر جامی روم، اما دلم جایی نمی‌ماند	۳۱
۱۱۰.....	عزایی ندارم که عیدی ندارم	۳۲
۱۱۲.....	آمد بهار تاگل و ریحان بیاورد	۳۳
۱۱۶.....	از وفور گریه، شعر بوی ناگرفته است	۳۴
۱۱۸.....	آرام در رثای خودم گریه می‌کنم	۳۵
۱۲۰.....	تیک تیک نکن این قدر، بی‌صداء، آراما	۳۶
۱۲۲.....	ای غم، ای رؤیای زیبا از تو ممنونم	۳۷
۱۲۴.....	رفیق جان تو بودم اگر که تن بودم	۳۸
۱۲۶.....	بریدم از خودم امتا به این و آن نپیوستم	۳۹
۱۲۸.....	می‌توانستم بمانم، می‌توانستم بمیرم	۴۰
۱۳۱.....	رباعی‌ها و دویتی‌ها	